فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۱۲(۲(۴۶))، ۲۱۶-۱۹۷
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran،
Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: ۲۸۷۰-۲۳۴۵

ارزیابی ابعاد آشکار و پنهان سیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان[1]

داریوش مرادی چادگانی* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
عفت صبوحی استادیار گروه شهرسازی و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دولت‌آباد، دولت‌آباد، ایران.
محمدحسین عسگری دانش‌پژوه دوره دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.
خاطره امیری دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
مولود صالحی نجف‌آبادی کارشناس ارشد ارشد شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری)، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده:

سیاست مشارکت، حضور اعضای جامعه در فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در سازمان‌های مسئول است و که منجر به خلق ایده‌های جدید، تعیین شیوه‌های برخورد و انتشار اطلاعات، رفع و حل مغایرت‌ها، ارزیابی ایده‌ها و مرور طرح‌ها و پیشنهادها می‌شود. در این مقاله، ابعاد آشکار و پنهان سیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان ارزیابی می‌شود و هدف آن تعیین اصول پایه و الزامات، ویژگی‌ها، ابعاد آشکار (اثباتی) و پنهان (هنجاری) و تعیین میزان همسویی این سیاست، در جهت هماهنگی فرآیندهای اجرایی است. راهبرد پژوهشی این مقاله استقرایی، همراه با انباشت داده‌ها، ذخیره‌سازی اطلاعات و انجام تحلیل‌های کمی و کیفی (پژوهش آمیخته) می‌باشد. رهیافت پژوهش استفاده از چرخه سیاست‌گذاری در هفت مرحله‌ی: (۱) تعیین مرزهای مشکل بر پایه‌ی ردیابی منابع داده و اطلاعات، (۲) ایجاد گزینه‌های سیاست، (۳) انتخاب معیارهای ارزیابی سیاست همراه با تشکیل پایگاه داده و اطلاعات، (۴) ارزیابی گزینه‌های سیاست با انجام تحلیل‌های کمی (تحلیل سیاست اثباتی و ردیابی ویژگی‌های آشکار) و تحلیل‌های کیفی (تحلیل سیاست هنجاری و ردیابی ویژگی‌های پنهان)، (۵) ارزیابی هماهنگی درون‌سازمانی و بین سازمانی اجرای سیاست، (۶) ارزش‌گذاری سیاست و (۷) تفسیر پیامدها و اثرات سیاست به‌وسیله‌ی تحلیل یکپارچه‌ی تحلیل‌های سه‌گانه (اثباتی، هنجاری و هماهنگی) انجام‌شده است. نتایج تحلیل‌ها در این مقاله نشان می‌دهند که در چهار دسته‌ی زمینه‌ای، تهیه‌ی اسناد، عاملیت‌ها و ساختار سازمانی نقص‌هایی وجود دارد که تحقق‌پذیری سیاست مشارکت را مشکل می‌کند. مهم‌ترین عوامل برای ارتقاء سیاست‌گذاری مشارکت، تدوین قراردادهای دقیق، غیرقابل تفسیر و یکسان از مشارکت برای مدیران و سیاست‌گذاران و تصویب شیوه‌نامه‌های عملی برای پیاده‌سازی فرآیند تصمیم‌گیری و مشارکت در اجرای این سیاست هستند. افزون بر این، مشخص بودن چگونگی تخصیص منابع برای اجرا، پایش و نظارت بر اجرا، همسوسازی سیاست مشارکت با دانش و فناوری به‌روز و در دسترس ، تطبیق آن با خواسته‌ها و نیازهای عمومی و مشخص کردن نتایج مورد انتظار از مشارکت و هماهنگ‌سازی سیاست‌های مرتبط با شرح وظایف و ساختار سازمانی نقش برجسته‌ای در ارتقاء سطح مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان دارند.

واژگان کلیدی: سیاست مشارکت، ابعاد آشکار و پنهان سیاست، ارزیابی سیاست، هماهنگ‌سازی سیاست، سیستم مدیریت شهری اصفهان

طبقه‌بندی JEL: مسائل عمومی مرتبط با تحلیل تصمیم‌گیری جمعی (D70)، دیوان‌سالاری و فرآیندهای اداری در سازمان‌های دولتی (D73)، تعارض (D74)، تحلیل اثباتی تدوین و اجرای سیاست (D78) موارد دیگر (D79).

[1] این مقاله برگرفته از پروژه پژوهشی با عنوان «بررسی نقش سیاست‌ها و خط‌مشی‌های شهرداری اصفهان در هماهنگ‌سازی امور و عملیات اجرایی» است که توسط شرکت دانش بنیان شهر و اندیشه نقش‌جهان برای شهرداری اصفهان (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه نیروی انسانی-مدیریت پژوهش، خلاقیت و فناوری‌های نوین) انجام شده است.

۱- مقدمه

مدیریت شهری با استفاده از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های عمومی در پی اعمال قدرت و حل مشکلات شهری در جهت حکمروایی خوب است (صبوحی و همکاران،۱۳۹۹). ارزیابی این برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها موجب آگاه‌سازی سازمانی از پیشرفت‌ها، موفقیت‌ها و چالش‌ها شده و به دریافت بازخورد، شناسایی مشکلات، فرابینی سیاست و ارائه‌ی اقدامات پیشنهادی منجر می‌شود (Lawrence,2019:3). پیاده‌سازی و تقویت سیاست مشارکت یکی از ویژگی‌های حکمروایی خوب است و با حضور اعضای جامعه در فعالیت‌های مربوط به برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری در سازمان‌های مسئول تعریف می‌شود (امامی، ۱۳۹۴؛WORLD BANK,1966) با شکل‌گیری فزاینده‌ی ارتباطات و همکاری در برنامه‌ریزی از دهه ۱۹۶۰ میلادی و اهمیت یافتن مفهوم مشارکت (Healey, 1992)؛ ارزیابی میزان حضور شهروندان در سطوح مختلف همکاری «مشورتی[۱]» (Inch, 2015)، «تصمیم‌گیری[۲]»(Fainstein, 2014) و «کنش و تغییر[۳]»(Smith, 1973) به یک موضوع کلیدی در بهبود عملکرد سیستم برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. بر همین پایه دستیابی به سطح مطلوب مشارکت در مدیریت شهری به دلیل ایجاد فرآیندهای تصمیم‌گیری فراگیر، شفاف و پاسخگو ضروری است. در زمینه‌ی مشارکت در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری پژوهش‌های متعدد و گوناگونی انجام‌شده است. الدغیشم (۲۰۲۳) عوامل مؤثر بر مشارکت جامعه در فرآیند برنامه‌ریزی شهری را مورد تحلیل قرار داده و علت مشارکت ناپذیری را، عدم تمایل افراد و ناتوانی مقامات در استفاده از بسترهای رسانه‌های اجتماعی برای تعامل مؤثر با جامعه محلی می‌داند. کریستین لارسن و شولسوک (۲۰۲۳) در پژوهش با عنوان «خلق و تولید مشارکت در حکمرانی خطر شهرداری» مشارکت را در جهت افزایش تاب‌آوری سیستم‌های حکمرانی شهری مؤثر و ضروری می‌دانند. آمادو و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی شهری پایدار» به رویه‌هایی در برنامه‌ریزی شهری می‌پردازد که در آن‌ها استفاده از ارتقاء سطح مشارکت عمومی به افزایش پایداری محیطی می‌انجامد. شیعه بیکی و همکاران (۲۰۱۴) مشارکت عمومی را یکی از عوامل مدیریت پایدار شهری می‌دانند و برای بهبود آن در سیستم مدیریت شهری تهران راهبرد ارائه می‌دهند. هکلی و همکاران (۲۰۱۸) ابزارها و روش‌های نوین برای برنامه‌ریزی مشارکتی را ارائه می‌کنند. زیاری و همکاران (۱۳۸۸) با مطالعه‌ای کمی میزان تمایل به مشارکت در شهروندان را در ابعاد دوگانه ذهنی و عینی مورد سنجش قرار داده‌اند که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد شهروندان در بعد ذهنی تمایل بالایی به مشارکت دارند اما مشارکت آن‌ها در بعد عینی تنها به انتخابات محدود می‌شود. تقوایی و همکاران (۱۳۸۸) مشارکت شهروندان را برای مدیریت شهری مثبت ارزیابی می‌کنند و سه عامل رضایت از مدیریت شهری، احساس مالکیت و وضعیت اقتصادی را برای ارتقاء سطح آن مؤثر می‌دانند. محسنی و نعیمایی (۱۳۹۶) تغییر مداوم اولویت‌ها، عدم تعریف جایگاه نهادی در سطوح محلات و عدم تمایل مدیریت شهری را دلایل ضعف مشارکت می‌دانند. شیانی و ابطحی (۱۳۹۹) در پژوهشی کیفی در پی شناسایی موانع مشارکت در مدیریت شهری هستند. آن‌ها سه عامل شکل شهر، مدیریت کلانِ شهر و موانع سیاسی-قانونی را عوامل بازدارنده‌ی مشارکت شهری می‌دانند و یغفوری و رفیعیان (۱۳۹۴) با ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور

[۲] Deliberative
[۳] Decision-making
[۴] Act and Chang

شهری دو پیش‌شرط گرایش به مشارکت و امکان مشارکت را ضروری می‌دانند.

بر همین پایه، شهرداری اصفهان مشارکت را به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی سیاستگذاری در مدیریت شهری مورد توجه قرار داده و برای پیاده‌سازی و پشتیبانی از آن، منابع قابل توجهی تخصیص داده است. این مقاله با هدف دستیابی به ماهیت و ویژگی‌های آشکار و پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان تدوین شده است، به گونه‌ای که قابلیت ارزشگذاری برای تصمیم‌گیری در مورد دگرگونی این سیاست و یا تدوام آن را داشته باشد.

پرسش‌های پژوهش بر پایه‌ی هدف اصلی این‌گونه طراحی و تدبیر شده‌اند:

نخست: ویژگی‌ها و ابعاد آشکار و پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان چیست؟

دوم: اصول پایه و الزامات در سیاست‌گذاری مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان در چه سطحی نهادینه شده است؟

سوم: ویژگی‌ها و ابعاد آشکار و پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان تا چه سطحی با یکدیگر همسو و هماهنگ هستند؟

اهداف متناظر با پرسش‌ها، در این پژوهش را این‌گونه می‌توان معرفی کرد:

نخست: دستیابی به ویژگی‌ها و ابعاد آشکار و پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان.

دوم: دستیابی به آستانه‌های نهادینه شدن و رعایت اصول پایه و الزامات در سیاست‌گذاری مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان.

سوم: دستیابی به میزان همسویی و هماهنگی ابعاد آشکار و پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان.

۲- مبانی نظری

مبانی نظری این مقاله بر پایه‌ی سه انگاشت اصلی شامل سیاست‌گذاری شهری، چرخه سیاست‌گذاری و سیاست مشارکت استوار شده است و در آن تعاریف، نظریه‌ها و رهیافت‌های قابل به‌کارگیری معرفی می‌شود.

۲-۱- سیاست‌گذاری شهری

سیاست‌گذاری شهری مجموعه‌ای هماهنگ از تصمیمات سیاست‌گذاران برای برنامه‌ریزی، توسعه، اجرا و حفظ شهرها است که از سیاست‌های سطوح جغرافیایی بین‌المللی و ملی (مانند سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی) تأثیر پذیرفته و بر سیاست‌های سطوح شهری و محلی (مانند سیاست‌های خرد برنامه‌ریزی، کاربرد زمین و توسعه مجدد شهر) تأثیر می‌گذارد. در سیاست‌گذاری توجه به ماهیت و ویژگی‌های سیاست‌ها و اثرات و پیامدهای آن‌ها ضرورت دارد (pacione,2009؛ احمدی و عابدینی،۱۳۹۸). این ویژگی‌ها شامل:

نخست: پویایی سیاست‌ها است که به سیاست‌گذاری نقشی فرآیندی و متداوم برای پاسخ‌گویی به مشکلات می‌دهد.

دوم: تأثیر زنجیره‌ای اتخاذ هر سیاست بر سایر حوزه‌های تصمیم‌گیری است که به سیاست‌گذاری نقشی کل‌نگر و عقلانی برای انتخاب بهینه‌ترین سیاست‌ها را می‌دهد.

سوم: ماهیت میان کنشی و تقسیم‌شده‌ی قدرت در بین گروه‌های مختلف مانند بخش خصوصی و جامعه است که به سیاست‌گذاری نقشی تعاملی، مشارکتی و هدایت‌کننده‌ی منافع و منابع به سمت منفعت جمعی را می‌دهد.

۲-۲-چرخه‌ی سیاست‌گذاری

چرخه‌ی سیاست‌گذاری، پایه‌ای در و برای فرآیند سیاست‌گذاری بر مبنای رهیافت مرحله‌ای در تصمیم‌گیری است و انواع گوناگونی دارد که بر اساس تعداد مراحل اصلی در چرخه‌ی سیاست‌گذاری می‌توان آن‌ها را طبقه‌بندی نمود:

چرخه‌ی نخست سیاست‌گذاری پنج مرحله‌ای: این چرخه دارای مراحل طرح پرسش[۱]، ساختاربندی مشکل، پیش‌بینی، تجویز و نظارت است (Dunn,2017).

چرخه‌ی دوم سیاست‌گذاری پنج مرحله‌ای: این چرخه دارای مراحلِ شناسایی مشکل، تهیه دستور کار، تدوین و اتخاذ سیاست، اجرای سیاست، ارزش‌گذاری، تعدیل یا پایان سیاست است (Clemsons & McBeth,2017).

چرخه‌ی سوم سیاست‌گذاری پنج مرحله‌ای: این چرخه دارای مراحل تعریف و تحلیل مشکل، ایجاد گزینه‌های سیاست، انتخاب معیارهای ارزش‌گذاری، ارزیابی گزینه‌ها و نتیجه‌گیری است (Kraft & Furlong, 2018).

چرخه‌ی نخست سیاست‌گذاری هشت مرحله‌ای: این چرخه طیف وسیعی از روش‌های تحقیق را در برمی‌گیرد و در مورد سازمان‌دهی، برنامه‌ریزی و مدیریت گسترده در دولت بحث می‌کند که دارای هشت مرحله‌ی بیان مسئله، تحلیل سیاست‌ها، ابزار سیاست‌گذاری، نتیجه‌گیری، هماهنگی، تصمیم‌گیری، پیاده‌سازی و ارزش‌گذاری است (Bridgman & Davis,2003).

چرخه‌ی دوم سیاست‌گذاری هشت مرحله‌ای: این چرخه شامل مراحل تنظیم دستور کار، فرمول‌بندی سیاست، اتخاذ سیاست، پیاده‌سازی سیاست، ارزش‌گذاری سیاست، انطباق سیاست، جانشینی سیاست و خاتمه‌ی سیاست است (Dunn,2017).

چرخه‌های پنج و هشت مرحله‌ای دارای اشتراکات و افتراقاتی هستند که می‌توان آن‌ها را در قالب یک چرخه‌ی یکپارچه‌ی سیاست‌گذاری هفت مرحله‌ای یکپارچه نمود و از آن برای ارزیابی سیاست‌گذاری در سیستم مدیریت شهری اصفهان استفاده کرد (جدول ۱). قابلیت به‌کارگیری این چرخه در بخش عمومی با تأکید بر برخورداری از عنصر هماهنگی در سیاست‌گذاری (به‌گونه‌ای که قابلیت به‌کارگیری برای ایجاد هماهنگی در سیاست‌گذاری بین سازمانی و درون‌سازمانی را داشته باشد) ویژگی متمایز کننده آن از سایر چرخه‌های سیاست است و مراحل آن را این‌گونه می‌توان معرفی نمود (شکل ۱):

مرحله‌ی نخست (تعیین حدومرزهای مشکل): بر روی تعریف و مشخص کردن حدومرز مشکل متمرکز است و از مفاهیم مشکل‌یابی، طراحی پرسش‌ها، ساختاربندی، تعریف و تحلیل مشکل پشتیبانی می‌کند.

مرحلهٔ دوم (ایجاد گزینه‌های سیاست): در این مرحله انجام تحلیل‌ها و آینده‌نگری برای سیاست‌ها به همراه تهیه دستور کار و ایجاد و اتخاذ گزینه‌ی سیاست با ارائه تعاریف و ویژگی‌های آن گنجانده‌شده است.

مرحله‌ی سوم (انتخاب معیارهای سیاست): در این مرحله، ابزارهای سیاست‌گذاری، فرمول‌بندی سیاست‌ها و انتخاب معیارهای ارزش‌گذاری سیاست مشخص می‌شوند.

مرحله‌ی چهارم (ارزیابی گزینه‌های سیاست): در این مرحله ارزیابی و نتیجه‌گیری بر مبنای معیارهای انتخاب سیاست انجام می‌گیرد.

مرحله پنجم (هماهنگی بین سازمانی و اجرای سیاست): این مرحله بیان مفاهیم اجرایی همچون تصمیم‌گیری، پیاده‌سازی، تجویز و هماهنگی بر پایه‌ی نتایج به‌دست‌آمده به منظور پشتیبانی از عملیاتی کردن سیاست و همسوسازی بین سازمانی است.

مرحله‌ی ششم (ارزش‌گذاری، تفسیر پیامدها و اثرات سیاست): این مرحله شامل ارزیابی و ارزش‌گذاری سیاست است و در آن اثرات و پیامدهای سیاست تفسیر می‌شود.

مرحله‌ی هفتم (بازبینی سیاست): این مرحله بیان انطباق، جانشینی، تعدیل و خاتمه سیاست است که

---

[۱] طرح پرسش پیرامون مشکلات سیاست، پیامدهای پیش‌بینی‌شده، سیاست‌های فراهم‌شده، پیامدهای سیاسی مشاهده‌شده و اجرای سیاست است.

پیشنهادهای جدیدی در خصوص سیاست و فرآیندهای اجرایی مرتبط با آن ارائه می‌شود.

جدول ۱ گونه شناسی و مقایسه چرخه‌های گوناگون سیاست و تشکیل چرخه‌ی یکپارچه‌ی سیاست‌گذاری در هفت مرحله

منبع: (نگارندگان).

مراحل	گونه‌بندی چرخه‌های سیاست در بخش عمومی					چرخه‌ی سیاست‌گذاری هفت مرحله‌ای
	پنج مرحله‌ای			هشت مرحله‌ای		
	دان (۲۰۱۷)	کلمسونز و مکبث (۲۰۱۷)	کرافت و فرلانگ (۲۰۱۸)	بریجمن و دیویس (۲۰۰۳)	دان (۲۰۱۷)	
مرحله‌ی نخست	طرح پرسش	شناسایی مشکل	تعریف و تحلیل مشکل	بیان مسئله	-	تعیین حدومرزهای مشکل
	ساختاربندی مشکل				-	
مرحله‌ی دوم	پیش‌بینی سیاست‌ها	تهیه دستور کار، تدوین و اتخاذ سیاست	ایجاد گزینه‌های سیاست	تحلیل سیاست‌ها	تنظیم دستور کار	ایجاد گزینه‌های سیاست
مرحله‌ی سوم	-	-	انتخاب معیارهای ارزش‌گذاری	ابزار سیاست‌گذاری	فرمول‌بندی سیاست	انتخاب معیارهای سیاست
مرحله‌ی چهارم	-	-	ارزیابی گزینه‌های سیاست	نتیجه‌گیری	-	ارزیابی گزینه‌های سیاست
			نتیجه‌گیری		-	
مرحله‌ی پنجم	تجویز سیاست‌ها	اجرای سیاست	-	هماهنگی	اتخاذ سیاست	هماهنگی بین سازمانی و اجرای سیاست
				تصمیم‌گیری		
				پیاده‌سازی	پیاده‌سازی سیاست	
مرحله‌ی ششم	نظارت بر سیاست‌ها	ارزش‌گذاری	-	ارزش‌گذاری	ارزش‌گذاری	ارزش‌گذاری، تفسیر اثرات و پیامدهای سیاست
مرحله‌ی هفتم		تعدیل یا پایان سیاست	-	-	انطباق سیاست	بازبینی سیاست
		-	-		جانشینی سیاست	
		-	-		خاتمه سیاست	

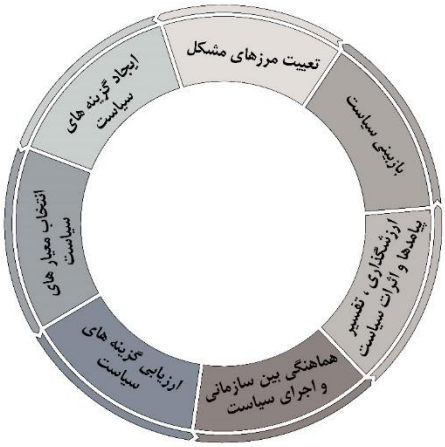

شکل ۱ معرفی چرخه سیاست‌گذاری در بخش عمومی با تأکید بر هماهنگی درون و بین سازمانی در سیاست‌گذاری

منبع: (نگارندگان).

۲-۳-سیاست مشارکت

مردم سالاری با موانعی مانند قیود و محدودیت تمرکز قدرت در نهادهای رسمی، دیوان سالاری گسترده وضعف تشکل های حزبی مواجه است (امیری و همکاران،۱۴۰۱)، اتخاذ سیاست مشارکت پاسخی برای این رفع این موانع است. سیاست مشارکت انواع گوناگونی دارد که شامل مشارکت شهروندی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. اهداف مشارکت خلق ایده‌های جدید، تعیین شیوه‌های برخورد و انتشار اطلاعات، رفع و حل مغایرت‌ها، ارزیابی ایده‌ها، مرور طرح‌ها و پیشنهادها است (Marshal؛2000,Sanof, 2004). مشارکت شهروندی به‌عنوان یکی ازاین‌گونه‌ها؛ میان کنش مراجع رسمی، افراد و گروه‌های مختلفی است که منجر به توسعه بازبینی و قدرت تغییر آن‌ها در برنامه‌های مرتبط می‌شود (عبدی دانشپور،۱۳۹۶). این سیاست شهروندان را در شبکه‌ای ارتباطی باهدف خود مدیریتی قرار داده و به آن‌ها امکان تجربهٔ تصمیم‌گیری در ساخت سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی را می‌دهد (Servas,2008).

فرایند مشارکت بر پایهٔ الگوی مشارکت شهروندی شامل مراحل اطلاع‌رسانی[1] (اطلاع‌رسانی توسط حکومت و آگاه شدن شهروندان)، مشورت[2] (گفتگو با شهروندان و شنیدن نظرات آنان)، همکاری[3] (استفاده از نظرات شهروندان و همکاری آنان با مسئولان)، درگیری[4] (مسئولیت‌پذیری شهروندان در برابر امور) و مقتدر سازی[5] (دستیابی شهروندان به منابع قدرت، توانایی هدایت و کنترل دگرگونی های محیط زندگی در یک ساختار ارتباطی و همکاری متقابل) است (IAP2,n.d.؛ امیری و همکاران،۱۳۹۹).

۳-روش پژوهش

این مقاله یک پژوهش استقرایی است که پس از انباشت داده‌ها و اطلاعات، آن‌ها را به‌صورت کمی (تحلیل‌های آماری توصیفی و رتبه‌بندی بر پایه‌ی آزمون‌های میانگین) و کیفی (تحلیل محتوا و تحلیل سیاست) برای انجام یک پژوهش آمیخته تحلیل می‌کند. طرح این پژوهش بر اساس مراحل هفتگانه چرخه‌ی سیاست‌گذاری در بخش عمومی (ن. ب. شکل ۱) و فرآیند ارزیابی سیاست در این چرخه، در هفت گام سازمان‌دهی و تدبیر شده است:

گام نخست: ردیابی منابع داده و اطلاعات (مرتبط باسیاست‌های مشارکت در سیستم مدیریت شهری

[1] Information
[2] consultation
[3] Cooperation
[4] Involvment
[5] Empowerment

اصفهان) با به‌کارگیری روش‌های چک‌لیست و گلوله برفی مبتنی بر مصاحبه با کارشناسان و مدیران.

گام دوم: گردآوری داده و اطلاعات (مرتبط باسیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان) با انجام مطالعات اسنادی، بازبینی و بازنویسی متون مرتبط باسیاست مشارکت، واکاوی اسناد آرشیو مکاتبات، مصوبات و صورت‌جلسات و انجام مصاحبه با تصمیم‌گیرندگان و مدیران.

گام سوم: تهیه پایگاه داده و اطلاعات باقابلیت انجام هم‌زمان تحلیل‌های کمی و کیفی متون سیاست‌گذاری در محیط نرم‌افزارهای ACCESS MicroSoft و Atlas.Ti.

گام چهارم: انجام تحلیل‌های کمی (تحلیل سیاست اثباتی) و ردیابی ویژگی‌های آشکار سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت با استفاده از روش‌های آماری توصیفی.

گام پنجم: انجام تحلیل‌های کیفی (تحلیل سیاست هنجاری) و ردیابی ویژگی‌های پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت با استفاده از روش تحلیل محتوا بر پایه‌ی کدگذاری‌های باز و بسته.

گام ششم: ارزیابی میزان هماهنگی درون‌سازمانی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت بر پایه‌ی بروندادهای برآمده از تحلیل‌های کمی و کیفی سیاست‌های مرتبط با مشارکت.

گام هفتم: تفسیر یافته‌های برآمده از تحلیل‌های سه‌گانه (اثباتی، هنجاری و هماهنگی).

۳-۱- ردیابی منابع داده و اطلاعات مرتبط باسیاست‌های مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان

در این مرحله بر پایه‌ی منابع موجود از روش گلوله برفی برای تعیین منابع داده و اطلاعات مرتبط باسیاست مشارکت استفاده شد. بر این اساس نخست با روش چک‌لیست، تعدادی از مدیران و کارشناسان[1] متخصص درگیر در سیاست‌گذاری سیستم مدیریت شهری اصفهان مصاحبه شدند که برونداد آن شناسایی منابع داده و اطلاعات موردنیاز برای ارزیابی سیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان بود. این منابع داده و اطلاعات به‌صورت زیر دسته‌بندی شدند:

نخست: برنامه‌های راهبردی (مانند برنامه راهبردی اصفهان ۱۴۰۵)

دوم: گزارش پروژه‌ها و اقداماتی چون (گزارش یک شهر و گفتگو و گزارش اولویت‌های راهبردی اصفهان (تارا))

سوم: انجام مصاحبه با مدیران و سیاست‌گذاران ازجمله شهردار، اعضای شورای شهر و معاونت‌های وقت شهرداری اصفهان.

چهارم: دریافت مصوبات سامانه‌ی مصوبات شورای شهر اصفهان.

۳-۲- گردآوری داده و اطلاعات مرتبط باسیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان

برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات روش‌های مختلفی با در نظر گرفتن ماهیت و هدف پژوهش، سطح دسترسی به اطلاعات و محدودیت منابع و زمان وجود دارد. منابع داده‌ها و اطلاعات این مقاله مکاتبات، گزارش‌های رسمی، برنامه‌ها و متون برآمده از انجام مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته[2] هستند و داده‌های به‌دست‌آمده با روش بازبینی و بازنویسی متون و مصاحبه‌ها گردآوری شدند.

۳-۳- تهیه پایگاه داده و اطلاعات

پایگاه داده، ایجاد اجتماع ساختاریافته‌ای از اطلاعات است که قابلیت تعریف، مدیریت، بازیابی و به‌روزرسانی داده‌ها را داشته باشد. این پایگاه‌ها با توجه به عملکردی که دارند به دودسته تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست دارای کارکرد تحلیل و ذخیره‌سازی داده‌ها و مناسب برای تبدیل متون به داده‌های کمی و دسته‌ی دوم دارای کارکرد

۱مصاحبه با سی و هشت نفر از کارشناسان شهرداری و شورای شهر انجام پذیرفت

۲ مصاحبه‌ها با پانزده نفر از مدیران سیستم مدیریت شهری اصفهان شامل شهردار، معاونین شهرداری و اعضای شورای شهر انجام گرفت.

مدیریت متن با کدگذاری بازو بسته‌ی کیفی است. برای این مقاله از هر دودسته پایگاه استفاده‌شده است تا داده‌های بازنویسی شده‌ی گسترده و خام به داده‌های قابل ارزیابی فروکاست شوند. پایگاه‌های تشکیل‌شده شامل:

نخست ایجاد پایگاه تحلیل و ذخیره‌سازی برای تحلیل‌های کمی در محیط نرم‌افزاری MicroSoft Access با امکان استخراج اطلاعات در سایرنرم‌افزارهای آماری باهدف تحلیل معیارهای آشکار سیاست مشارکت است.

دوم ایجاد پایگاه مدیریت متن برای تحلیل‌های کیفی در نرم‌افزار Atlas.Ti با تبدیل متون به کدهای باز و بسته کیفی و باهدف تحلیل معیارهای پنهان در سیاست مشارکت است.

۳-۴- انجام تحلیل‌های کمی (تحلیل سیاست اثباتی) و ردیابی ویژگی‌های آشکار سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت

داده‌ها و اطلاعات، مصوبات شورای شهر اصفهان در دو دوره‌ی (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) مرتبط باسیاست مشارکت و گزارش اولویت‌های راهبردی اصفهان (تارا)، ماهیتی متناسب با پایگاه داده‌ی تحلیل و ذخیره‌سازی را داشتند. در همین راستا داده‌های متنی بازنویسی شده برای انجام تحلیل‌های کمی و ردیابی ویژگی‌های آشکار سیاست طبقه‌بندی شدند (جدول ۲).

۳-۵- انجام تحلیل‌های کیفی (تحلیل سیاست هنجاری) و ردیابی ویژگی‌های پنهان سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت

برای ردیابی ویژگی‌های پنهان سیاست مشارکت، متون برنامه‌های (چون راهبردی اصفهان ۱۴۰۵)، گزارش‌های رسمی چون گزارش‌های یک شهر و گفتگو و گزارش اولویت‌های راهبردی اصفهان (تارا)، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مصوبات مرتبط باسیاست مشارکت شورای اسلامی شهر اصفهان (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) در قالب پایگاه‌های داده‌ی مدیریت متن در نرم‌افزار Atlas.Ti وارد و بر اساس شکل شبکه مفاهیم، تراکم، ارتباطات، روابط اثرگذاری و علّی مرتبط[1] با سنجه‌های کیفی (جدول ۳) تحلیل شدند.

جدول ۲ چک‌لیست ویژگی‌های آشکار سیاست مشارکت شهروندی منبع: (نگارندگان).

موضوع	مفهوم استفهامی	ویژگی‌های سیاست مشارکت	مثال داده متنی برای یکی از مصوبات شورا
فاعل (سوژه)	چه کسی؟	۱-آیا سیاست‌گذار و مجری سیاست مشخص‌شده است؟ ۲-آیا جمعیت هدف سیاست تعریف‌شده است؟	سیاست‌گذار شورای شهر و مجری شهرداری اصفهان. مردم تمامی مناطق ۱۵ گانه اصفهان.
مفعول (ابژه)	چه چیزی؟	۱-آیا باید دامنه تأثیر (برای چه چیزی یا چه کسی اعمال می‌شود) اصلاح شود؟ ۲-آیا موضوع اصلی سیاست مشخص‌شده است؟ موضوع سیاست به چه پدیده‌ای اشاره دارد؟	خیر دامنه نیاز به تدقیق ندارد. موضوع اصلی سیاست:اهم اولویتها و تاکیدات مورد نظر جهت تهیه و تدوین برنامه بودجه سال ۱۳۹۸ شهرداری اصفهان.
ابزار	چگونه؟	۱-آیا اطلاع‌رسانی سیاست، گروه‌های ذی‌نفع و تعیین سهم مشارکت انجام‌گرفته است؟ ۲-آیا استراتژی برای رسیدن به اهداف این سیاست معرفی‌شده است؟	با توجه به منتشر شدن مصوبه در سایت شورا (تا سال ۱۴۰۰) اطلاع‌رسانی انجام‌شده است. اولویت دهی به پروژهای نیمه تمام و غیره.
زمان	چه زمانی؟ چه مدتی	۱-آیا زمان‌بندی سیاست با توجه به فرآیند اجرا لحاظ شده است؟	بر اساس سال مالی ۱۳۹۸ تنظیم شده است.

[1] تهیه‌ی سنجه‌های کیفی بدین صورت انجام پذیرفت؛ ابتدا تعاریف مرتبط با شفافیت از اندیشمندان مختلف جمع آوری شده و سپس با گونه شناسی و فروکاست کلید واژه‌های اصلی برای مشارکت معین شد. به عبارتی سیاستی مشارکت محسوب می شود که به صورت به صورت مستقیم یا با ارائه‌ی محتوای متناسب با این کلید واژه ها مطرح گردد.

محل	چه مکانی؟	۱-آیا مرزهای منطقه‌ی تحت تأثیر معرفی‌شده است؟	مردم تمامی مناطق ۱۵ گانه اصفهان
معیار	چقدر؟	۱-آیا در طول سال گذشته انحرافی از این سیاست وجود داشته است؟ ۲-آیا درک یکسانی از سیاست وجود دارد؟ ۳-آیا سنجه‌های ارزیابی این سیاست معرفی‌شده است؟	به علت فقدان سیستم پایش و ارزیابی نتایج نامشخص است. درک یکسان از سیاست: متوسط- موافقت اکثریت شورا،درک متفاوت کارگروه های از سیاست. سنجه ارزیابی سیاست:دارد ایجاد شهرداری الکترونیک، شفاف سازی محاسبات شهرداری و غیره.
علت	چرا؟	۱-آیا علت وقوع این سیاست به‌روشنی تبیین شده است؟	تأکید سیاست‌های اجرایی بر توانمندسازی دارایی ها و غیره.
هدف	به چه منظور؟	۱-آیا سیاست و اثرات آن به‌طور مداوم برای مردم تفسیر می‌شود؟ ۲-آیا سیاست در راستای نیازهای عمومی است؟	به علت فقدان سیستم ارزیابی تفسیر سیاست برای مردم امکان ناپذیر است. بله محتوای مصوبه در راستای برقراری نظام درآمدی پایدار وغیره
برونداد	با چه نتیجه‌ای؟	۶-آیا نتایج وقوع این سیاست پیش‌بینی‌شده است؟	به علت فقدان سیستم ارزیابی نتایج سیاست نامشخص است.

جدول ۳ سنجه‌ها ارزیابی کیفی و تحلیل محتوا منبع: (نگارندگان).

سنجه‌ها	۱-اطلاع‌رسانی ۲-مشورت ۳-همکاری ۴-درگیری ۵-مقتدر سازی شهروندان ۶-توانمندسازی شهروندان ۷-تفویض قدرت و اختیار ۸-سرمایه‌گذاری	۹-مشارکت ۱۰-مشارکت سازمان‌های خصوصی ۱۱-نظارت ۱۲-مشورت ۱۳-گفت‌وگو ۱۴-آگاه‌سازی ۱۵-فرهنگ‌سازی

۳-۶- ارزیابی میزان هماهنگی درون‌سازمانی در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت

برای اجرایی شدن سیاست مشارکت یکی از مهم‌ترین عوامل، هماهنگی بین سازمانی در سیستم مدیریت شهری است که ناسازگاری‌های مرتبط با اجرای سیاست را به حداقل رسانده و بستر عملیاتی شدن آن را فراهم می‌کند. با استفاده از ویژگی‌های هماهنگی سیاست (جدول ۴) پایگاه داده‌ای در نرم‌افزار Microsoft Access در سه بخش (۱) اسناد و متون حقوقی، (۲) منابع و (۳) دانش و فناوری موجود، تشکیل شد تا میزان هماهنگی سیاست مشارکت در متون بازنویسی شده‌ی مصوبات شورای شهر (۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) و برنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

جدول ۴ چک‌لیست ارزیابی ویژگی‌های هماهنگی سیاست مشارکت منبع: (نگارندگان).

زمینه‌های موضوعی هماهنگی	پرسش‌های مربوط به هماهنگی
اسناد و متون حقوقی	آیا بین اهداف و سیاست‌های برنامه راهبردی هماهنگی وجود دارد؟ آیا بین منابع موردبررسی و برنامه راهبردی هماهنگی وجود دارد؟ آیا بین سیاست و قوانین موجود هماهنگی وجود دارد؟
منابع	آیا در تأمین منابع هماهنگی وجود دارد؟ آیا در اجرای منابع هماهنگی وجود دارد؟ آیا در ارزیابی منابع هماهنگی وجود دارد؟
دانش و فناوری	آیا در تطابق سیاست بادانش و فناوری موجود هماهنگی وجود دارد؟

۳-۷-تفسیر یافته‌های برآمده از تحلیل یکپارچه‌ی تحلیل‌های سه‌گانه (اثباتی، هنجاری و هماهنگی)

تفسیر یافته‌های برآمده از تحلیل‌های سه‌گانه (اثباتی، هنجاری و هماهنگی) به‌منظور تعیین کاستی‌ها، شکاف‌ها و الزامات سیاست‌گذاری‌های سیستم مدیریت شهری اصفهان به‌منظور ارتقاء کیفیت سیاست‌های مرتبط با مشارکت با استفاده از تحلیل قیاسی یکپارچه انجام‌شده است.

۴-بحث و یافته‌ها

بحث و یافته‌های این مقاله‌ی درباره‌ی سیاست مشارکت در سه بخش تحلیل کمی (اثباتی) و ردیابی ویژگی آشکار، تحلیل کیفی (هنجاری) و ردیابی ویژگی‌های پنهان و تحلیل هماهنگی درون‌سازمانی سیاست‌ها انجام گرفت.

۴-۱- تحلیل کمی (اثباتی) و ردیابی ویژگی آشکار سیاست مشارکت شهروندی:

نتایج ویژگی‌های کمی (اثباتی) بر مبنای چک‌لیست انجام‌شده و این نتایج را نشان می‌دهد (جدول ۵):

- نزدیک به تمام سیاست‌های مشارکت (۹۱ درصد) دارای سیاست‌گذار مشخص و تمام این سیاست‌ها دارای مجری، موضوع و جمعیت هدف مشخصی هستند.

- موضع‌گیری سیاست مشارکت در بیشتر موارد (۹۲ درصد) واضح و اعمال آن «بر چه کسی» یا «چه چیزی» مشخص است و دامنه تأثیر آن نیاز به اصلاح ندارد.

- اطلاع‌رسانی و تعیین گروه‌های ذی‌نفع به‌طور کامل انجام‌گرفته اما تعیین سهم مشارکت آن‌ها در بیشتر سیاست‌ها (۷۱ درصد) انجام‌نشده است.

- نزدیک به تمام سیاست‌های مشارکت (۹۲ درصد) استراتژی مشخصی برای رسیدن به اهداف معین‌شده دارند.

بسیاری از مصوبات (۷۱ درصد) دارای زمان‌بندی به لحاظ اجرا بوده که از این میزان مصوبه ۸۲ درصد به‌صورت ضرب‌الاجل هستند.

- نزدیک به تمام سیاست‌های مشارکت (۹۵ درصد) دارای قلمروی مکانی مشخص به‌ویژه در مناطق ۱۵ گانه‌ی اصفهان هستند.

- تعداد بسیاری زیادی از سیاست‌های مشارکت (۸۲ درصد) دارای سنجه‌های ارزیابی هستند.

- نزدیک به نیمی (۴۹,۵ درصد) از بیانیه‌های سیاست‌گذاری مشارکت برای دست‌اندرکاران درک یکسانی از سیاست مشارکت فراهم کرده‌اند.

- میزان انحراف از سیاست مشارکت در بیشتر مصوبات (۶۲ درصد) فاقد اطلاعات است و ردیابی آن ممکن نیست.

- نزدیک به تمام سیاست‌ها (۹۷ درصد) دارای علت وقوع مشخص هستند.

- بسیاری از سیاست‌های مشارکت (۷۹ درصد) در راستای نیازهای عمومی هستند.

- تفسیر سیاست مشارکت برای مردم در بیشتر موارد (۷۹ درصد) بسیار کم انجام می‌شود.

- بسیاری از سیاست ها (۶۳ درصد) دارای نتایج وقوع هستند.

۲۰۸ ـــــــ

	آیا سیاست و اثرات به‌طور مداوم برای مردم تفسیر می‌شود؟	- تفسیر سیاست مشارکت به‌صورت مداوم برای مردم بدین‌صورت است که ۳ درصد خیلی زیاد، ۸ درصد زیاد،۱۰ درصد متوسط،۷۹ درصد خیلی کم است و در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. اطلاع‌رسانی درزمینه‌ی تشریح سیاست، اجرا و نتایج، گاهی به کمک برگزاری جلسات، مستندسازی و انتشار اطلاعات بوده است.
برونداد	۶-آیا نتایج وقوع این سیاست پیش‌بینی‌شده است؟	- بیشتر از نیمی از سیاست‌های مشارکت دارای نتایج وقوع هستند (۶۳ درصد). نتایجی همچون رفع مشکلات سرمایه‌گذاران، تشکیل سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های شهرداری ذکرشده است.

۴-۲- تحلیل کیفی (هنجاری) و ردیابی ویژگی‌های پنهان سیاست مشارکت

تحلیل ویژگی‌های کیفی سیاست مشارکت بر پایه‌ی تحلیل محتوای متون برنامه‌های راهبردی، گزارش‌های رسمی و نیز متون برآمده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مصوبات مرتبط باسیاست مشارکت شورای اسلامی شهر اصفهان انجام گرفت. بر این پایه، تحلیل‌ها بیانگر تصمیم‌گیری عقلانی و بر اساس نیازهای موجود جمعیت هدف است. فراوانی بالای افزایش اعضای حلقه تصمیم‌گیری، گفت‌وگو و مشارکت سازمان‌های خصوصی بیان‌گر پیاده‌سازی مقدماتی این سیاست دارد و سهم شهروندان از اداره امور شهرها در مقیاس گفت‌وشنود و اطلاع‌رسانی است. تکرار مفاهیمی همچون قانون‌مند بودن سیستم مدیریت شهری، مسئولیت‌پذیری دست‌اندرکاران و کاهش فساد نشان‌دهنده‌ی ایجاد بستری برای اعتمادسازی و بهبود شرایط برای گفتگو و مشارکت اجتماعی کارآمد است. همچنین نتایج تحلیل کیفی نشان می‌دهد که تمرکز شهرداری اصفهان بر تعاملات بین سازمانی و مشارکت سازمان‌های خصوصی و گویای استفاده از بهره‌وری سازمانی و سرمایه‌های انسانی و اجتماعی است (شکل ۲). ردیابی ویژگی‌های پنهان

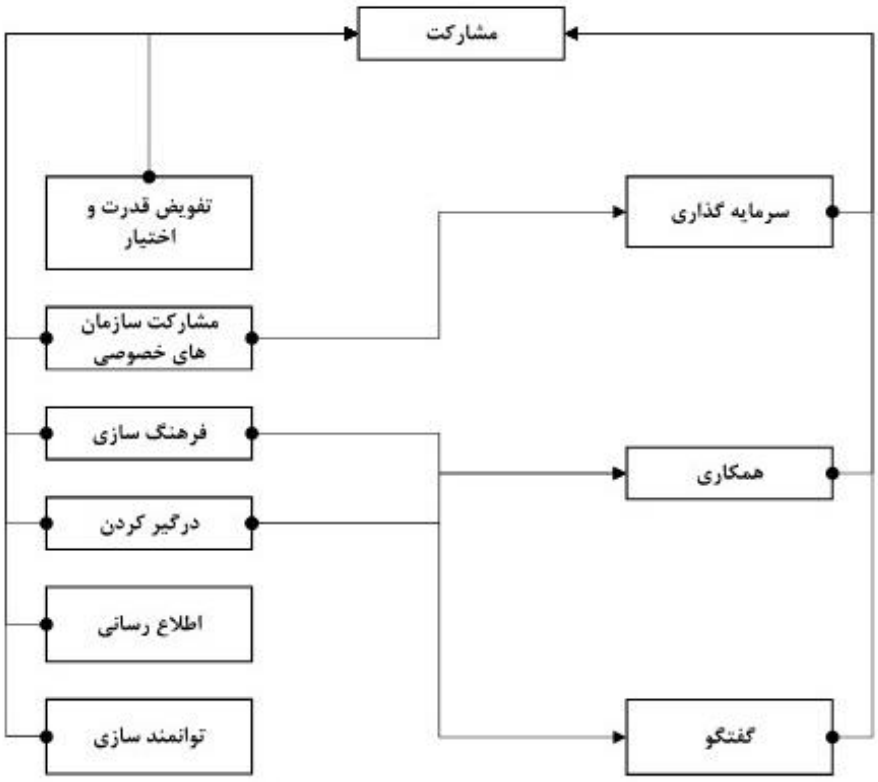

شکل ۲تحلیل محتوای وجه پنهان سیاست مشارکت در برنامه‌ی راهبردی توسعه شهر اصفهان (منبع: نگارندگان).

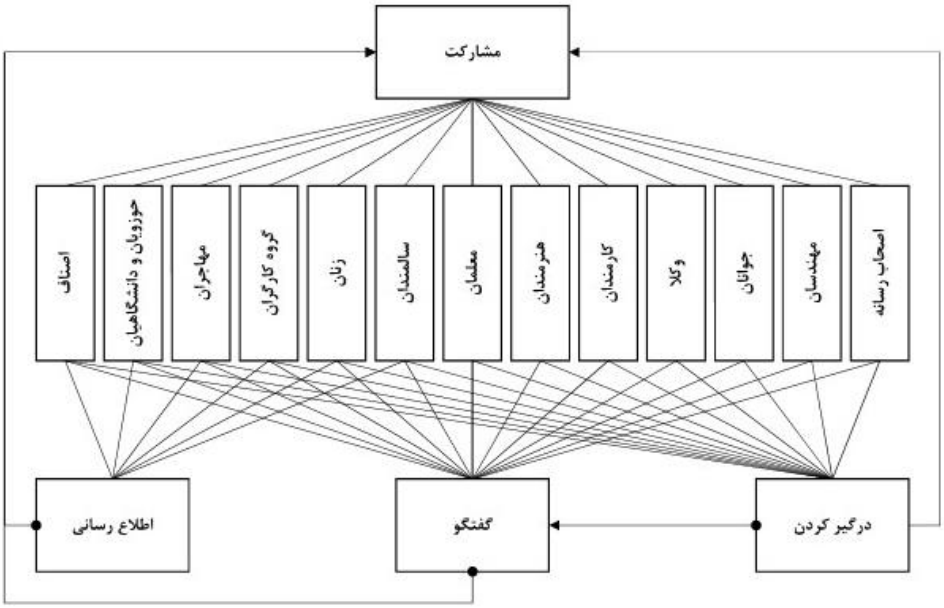

شکل۳تحلیل محتوای وجه پنهان سیاست مشارکت در مصوبات سیستم مدیریت شهری اصفهان (منبع: نگارندگان).

سیاست مشارکت در گزارش‌های پروژه‌ها و اقدامات بیانگر سطح متوسط مشارکت شامل اطلاع‌رسانی، گفتگو و درگیر شدن است اگرچه نتایج نشان می‌دهد در این پروژه‌ها و اقدامات طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی و گروه‌های مدنی غیررسمی درگیر شده‌اند اما مشارکت گروه‌های رسمی دولتی بسیار اندک بوده است (شکل ۳). در اجرای سیاست مشارکت، شورای اسلامی شهر اصفهان با تمرکز بر اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، گفت‌وگو، در گیرکردن، سرمایه‌گذاری، توانمندسازی و مشارکت سازمان‌های خصوصی، در راستای بهبود بستر مشارکت تلاش نموده است. ظهور مفاهیمی همچون مشارکت درون‌سازمانی در تحلیل محتوای مصوبه‌های شورا، گویای تمایل به نظارت بر جزییات عملکرد شهرداری دارد اما تمایلی به گزارش‌دهی به مردم وجود ندارد (شکل ۴).

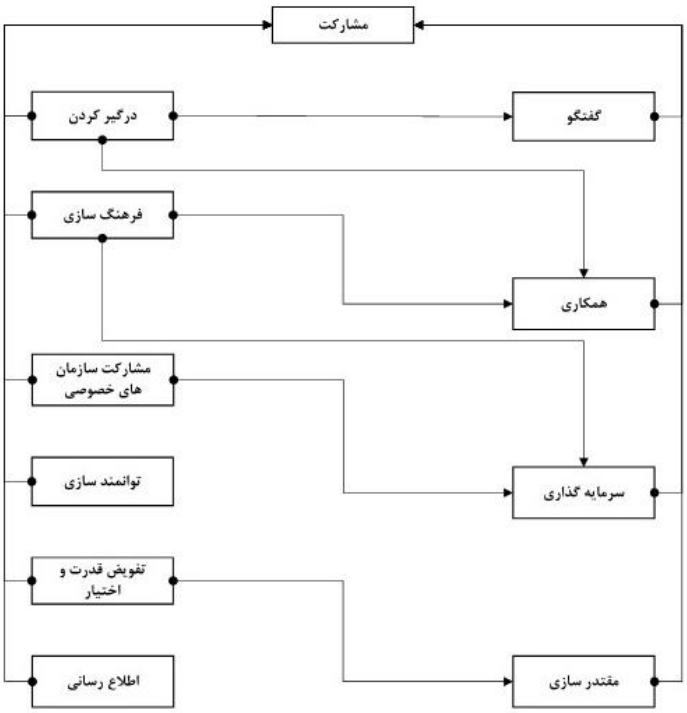

شکل ۴تحلیل محتوای وجه پنهان سیاست مشارکت در گزارش‌های رسمی پروژه‌ها و اقدامات سیستم مدیریت شهری اصفهان(منبع: نگارندگان).

مصاحبه با مدیران و سیاست‌گذاران شهری نشان می‌دهد فرایند مشارکت از دیدگاه آن‌ها، به معنای اطلاع‌رسانی به شهروندان، مشارکت مالی و سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب منفعت برای مدیریت شهری اصفهان انجام می‌شود. به همین دلیل ویژگی‌های پنهان سیاست مشارکت به ترتیب شامل اطلاع‌رسانی و گفت گو با شهروندان و شنیدن نظرات شهروندان درباره مسائل شهری است. این افراد معتقد به حرکت از مشارکت‌های مالی به سمت مشارکت‌های شهروندی هستند و در ارتباط با مزایای این سیاست در سیستم مدیریت شهری اصفهان به دو دسته‌بندی شهروندی و نهادی اشاره می‌کنند؛ که کاربست سیاست مشارکت برای شهروندان، پویایی، خلاقیت، آگاهی و ارتقاء سرمایه اجتماعی را برای آن‌ها به همراه داشته و برای نهادها منجر به ارتقاء عملکرد، هماهنگی و مشارکت بین نهادی و درون نهادی می‌شود. از معایب مورد اشاره مدیران و سیاست‌گذاران شهری در خصوص سیاست مشارکت می‌توان به ایجاد توقع در شهروندان، قضاوت شدن سیستم مدیریت شهری توسط شهروندان با سطح آگاهی کم و حسابرسی نهادهای بالادست اشاره کرد. مدیران و سیاست‌گذاران شهری معتقد هستند که سیاست‌گذاری مشارکت شهروندی در سیستم مدیریت شهری ناقص است که از دلایل آن کوتاه بودن دوره مدیریت شهری، تغییر مدیران شهری و تغییر دیدگاه‌ها، محدودیت‌های موجود در قانون و اسناد فرادست، بستر فرهنگی جامعه، یکپارچه نبودن فرآیند سیاست‌گذاری، ضعف سازوکارهای ارزش‌گذاری، انحصارطلبی و دیدگاه‌های موجود در شهرداری، نقص

در نبود الگوی واحد، تسلط نظرات سنتی بر علمی، ناقص بودن فرآیند مطالعه و تهیه اسناد برنامه‌ریزی و فرآیند مشارکت ذی‌نفعان در چرخه سیاست‌گذاری از دلایل آن است.

سیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان فاقد ارزیابی نظام‌مند و کلی است؛ و ارزیابی‌ها به‌صورت جزءنگر و صرفاً بر پایه‌ی تعالی سازمانی و ارزیابی ذهنی مسئولین شهری و ارزیابی سازوکارهای سامانه‌های خرد انجام می‌گیرد. به همین دلیل نتایج مؤثری برای بهبود عملکرد سیستم ارائه نمی‌دهد. مدیران و سیاست‌گذاران شهری بهبود اجرای سیاست‌های مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان را شامل موارد زیر می‌دانند:

- تدوین برنامه و تعیین وظایف مدیریت شهری در ساختار مدیریت شهری و نهادهای متولی.

- تدوین دستورالعمل‌های اجرایی متناسب با شرح وظایف و نظرات کارشناسان هر سازمان در سیستم مدیریت شهری.

- ارزیابی مداوم سیاست‌های مشارکت و انتظار نتایج و بازخوردها.

- بسترسازی ارزیابی شهرداری و سازمان‌های وابسته توسط شهروندان.

- مقتدر سازی شهروندان، گسترش شهرداری الکترونیکی.

- اجرای سیاست‌های مشارکت با رویکرد محله محوری.

- اطلاع‌رسانی با تأکید بر امکانات الکترونیکی مدرن مانند صفحه نمایشگرهای شهری.

- تفویض قدرت و اختیار به سازمان‌های مردم‌نهاد.

- نظرسنجی از شهروندان، نیازسنجی و فرهنگ‌سازی در بین شهروندان (شکل ۵)

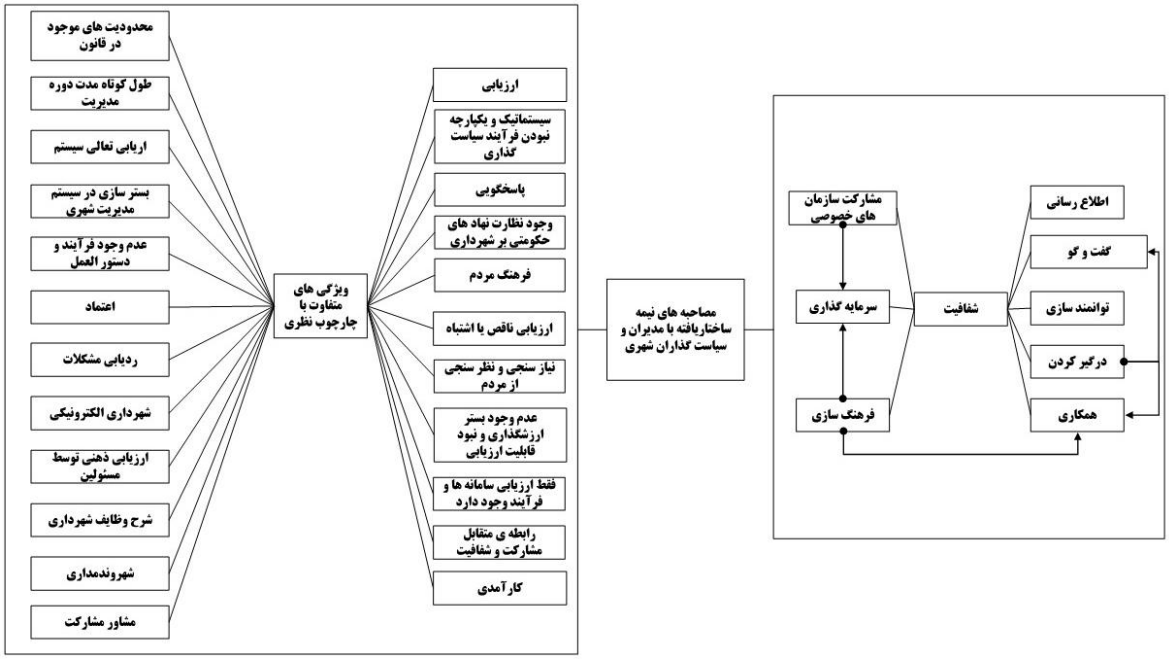

شکل ۵تحلیل محتوای وجه پنهان سیاست مشارکت در مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته با مدیران و دست‌اندرکاران شهری (منبع: نگارندگان).

۵-تحلیل هماهنگی بین سازمانی و اجرای سیاست‌های مرتبط با مشارکت

یافته‌های تحلیل هماهنگی درون و بین سازمانی به‌منظور پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌های مرتبط با مشارکت را به‌صورت فشرده این‌گونه می‌توان معرفی کرد:

نخست: هماهنگی سیاست‌گذاری برای مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان با قوانین و مقررات (۴۰ درصد) و اهداف برنامه‌ها (۴۷ درصد) کم‌تر از حد متوسط است و با منابع برنامه‌ها بیشتر از حد متوسط (۵۵ درصد) تطابق دارد؛ بنابراین اجرای سیاست‌های مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان در حوزه برنامه‌ریزی تمایل گذار به وضعیت بهتر را نشان می‌دهد، هرچند این وضعیت باوجود موانع حقوقی و قانونی شکننده است و امکان سوگیری به سمت نامطلوب نیز وجود دارد.

دوم: هماهنگی برای تأمین (۴۰ درصد) و اجرای منابع (۴۵ درصد) مربوط به سیاست مشارکت، کمتر از حد متوسط و برای ارزیابی (۱۸ درصد) کم است. این یافته‌ها نشان می‌دهند هماهنگی و تأمین منابع با مشکلات جدی مواجه بوده و بخش زیادی از منابع موجود با ناهماهنگی در اجرا از بین می‌روند، این موارد به همراه ارزیابی کم منابع، نشان از بحران هماهنگی در کاربست سیاست مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان دارد.

سوم: هماهنگی در به‌کارگیری دانش و فناوری به‌روز در ارتقاء سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت ۳۲ درصد است و در سیستم مدیریت شهری اصفهان از حد متوسط فاصله دارد.

درمجموع سیاست‌گذاری مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان دچار ضعف و کاستی در ابعاد گوناگون هماهنگی در اجرا و پیاده‌سازی هستند و به‌جز هماهنگی با منابع برنامه‌ها که بیشتر از حد متوسط است، در سایر ابعاد هماهنگ‌سازی سیاست، چون تخصیص منابع، اجرا و ارزیابی منابع و برخورداری از دانش و فناوری به‌روز نیازمند کوشش در جهت ارتقا هماهنگی است.

نتیجه‌گیری

در یک نگاه کل باور می‌توان یافته‌های برآمده از تحلیل سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشارکت در سیستم مدیریت شهری اصفهان را در ابعاد سه‌گانهٔ کمی (اثباتی)، کیفی (هنجاری) و هماهنگی این‌گونه جمع‌بندی و بیان کرد.

ویژگی‌های آشکار سیاست مشارکت مانند مشخص بودن سیاست‌گذار، موضع‌گیری سیاست، اطلاع‌رسانی و غیره در سیستم مدیریت شهری اصفهان حاصل‌شده است اما آشفتگی ادبیات سیاست عدم درک یکسان و فقدان توان تفسیر سیاست را پدید آورده است. افزون بر این نبود پایش و ارزیابی نظام‌مند میزان حصول به نتایج را در ابهام قرار داده است. شهرداری و شورای اسلامی شهر اصفهان ویژگی‌های آشکار سیاست مشارکت را تا حد زیادی محقق کرده‌اند اما تحلیل‌های پنهان نشان می‌دهد که شهرداری اصفهان مشارکت را به‌صورت مقدماتی پیاده کرده و با نگاهی وسیله باور (به‌جای هدف باور) از آن برای ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی و اجتماعی استفاده می‌کند. افزون بر این شورای اسلامی شهر اصفهان بسترسازی مشارکت را به‌عنوان ابزاری ناظر بر عملکرد شهرداری دانسته اما پاسخ‌گویی به مردم را ضروری نمی‌داند. تحلیل هماهنگی سیاست‌های مرتبط با مشارکت نشان می‌دهد که ناهماهنگی در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، تأمین و اجرای منابع و استفاده از دانش موجود دارای ضعف است. این سیستم مدیریتی نسبت به راهبردهای اتخاذ سیاست، سازوکارهای اجرایی و دامنه‌ی عملیاتی آن آگاه است اما تمایلی به تسهیم وظایف مشارکتی در بین ذی‌نفعان ندارد و مشارکت را تنها در سطوح اطلاع‌رسانی، مشورت و آگاه‌سازی نهادینه کرده است. برای اجرای این سیاست با رویکردی نتیجه گرا، به‌جای تاریخ شروع و پایان، ضرب‌الاجل تعیین می‌شود و عدم وجود نتایج میزان موفقیت و یا انحراف از سیاست نشان از نقص‌هایی در سیاست‌گذاری مشارکت دارد. مدیران و سیاست‌گذاران شهری اصفهان به این نقص‌ها اذعان دارند و دلایل آن را مشکلاتی می‌دانند که در دودسته‌ی زمینه‌ای و تهیه‌ی اسناد به‌صورت زیر بیان می‌شود:

نسخت مسائل زمینه‌ای شامل: کوتاه بودن دوره مدیریت شهری، تغییر مدیران شهری و تغییر دیدگاه‌ها، یکپارچه نبودن فرآیند سیاست‌گذاری، عدم وجود بستر ارزش‌گذاری، انحصارطلبی و دیدگاه‌های موجود در

شهرداری، نقص در نبود الگوی واحد، تسلط نظرات سنتی بر علمی و فقدان ارزیابی کلی و یکپارچه.

دوم مسائل تهیه‌ی اسناد شامل: محدودیت‌های موجود در قانون و اسناد فرادست، ناقص بودن فرآیند مطالعه و تهیه اسناد برنامه‌ریزی و فقدان فرآیند مشارکت ذی‌نفعان در چرخه سیاست‌گذاری.

افزون بر نظرات مدیران و سیاست‌گذاران، نتایج این مقاله در دو سطح عاملیت و ساختار نقص‌هایی را نشان می‌دهد که شامل موارد زیر است:

نخست در سطح عاملیت، استنباط مدیران و سیاست‌گذاران از معنای مشارکت، مفهوم اطلاع‌رسانی بوده و سطوح بالاتر مشارکت در ذهنیت آن‌ها شراکت مالی و سرمایه‌گذاری است. این افراد به اثرات مثبتی که این سیاست می‌تواند داشته باشد آگاه هستند اما عدم اجرای آن را به فقدان بسترهای فرهنگی جامعه مربوط می‌دانند.

دوم در سطح ساختاری مدیریت شهری اصفهان، وجود گرایش‌ها و سازوکارهای واکنشی - نتیجه گرا به مسائل و فقدان افق‌های راهبردی بلندمدت در برخورد مسائل وجود دارد. در درون این ساختار مدیریتی مفاهیم مشارکت دقیق نیست و با ادبیات سایر سیاست‌ها التقاط پیداکرده است.

به‌منظور ارتقاء سطح نظری و عملی سیاست‌گذاری مشارکت در این سیستم مدیریت، ضرورت دارد ادبیات و دیدگاه‌های جاری مرتبط باسیاست مشارکت برای تمام مدیران و سیاست‌گذاران تعریف‌شده، دقیق، غیرقابل تفسیر و یکسان باشد. برای پیاده‌سازی فرآیند تصمیم‌گیری و مشارکت در اجرای سیاست شیوه‌نامه عملی تصویب شود. تخصیص منابع برای اجرای سیاست مشارکت مشخص باشد و سیستم پایش و نظارت بر اجرای آن طراحی و پیاده‌سازی شود. شناخت کافی از دانش و فناوری وجود داشته باشد و سیاست بر اساس این امکانات تدوین گردد. دستاوردهای مورد انتظار از سیاست در هر برنامه با صراحت مشخص شود و سیاست‌ها نه دچار کم پوششی و نه دچار فرا پوششی در جمعیت هدف باشند. نیازها و خواست عمومی در تدوین سیاست‌ها موردتوجه قرار گیرد و دستورالعملی برای انطباق اکوسیستم سازمانی باسیاست مشارکت و تطبیق‌پذیری کارکنان، مدیران و سیاست‌گذاران سیستم مدیریت شهری اصفهان تدوین شود.

این مقاله برای اصلاح و توسعه سیستم مدیریت شهری اصفهان در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، مشارکت را مفهومی پیچیده می‌داند که برای درک بهتر مختصات آن باید از سطح تا عمق لایه‌های سازمانی کاوش شود. بر این پایه اتخاذ رویکردی کل باور و تحلیل قوانین و مقررات، طرح‌ها و برنامه‌ها و عاملیت‌ها و ساختارها انجام پذیرفت. نتایج این پژوهش نیاز به پایگاه ذخیره‌سازی، تحلیل، پایش، ارزیابی و بازخورد گیری را برای ارتقای سیاست‌های اکوسیستم‌های سازمانی ضروری می‌داند.بر همین پایه تمرکز بر روی ایجاد پایگاه‌های داده برای سیاست های به کارگفته شده، می تواند بخشی از سازوکارهای هوشمندسازی شهر باشد. مطالعات آینده افق‌های بیشتری را در این خصوص خواهند گشود.

۷- منابع

امامی میبدی، ر. (۱۳۹۴). اصول عام ارزیابی سیاست. دو فصلنامه دانش سیاسی، ۲۱(۱)، ۴۵–۶۸.

امیری، خ؛ مسعود، م؛ مرادی چادگانی، د؛ صادقی، ن؛ و صافی اصفهانی، ف. (۱۴۰۱). معرفی الگوی کاربردی مقتدرسازی اجتماع منسجم محلی در فضای سایبرنتیک به منظور ارتقاء سطح مشارکت سا کنان در بازآفرینی نواحی دچار افت شهری اصفهان. نشریه‌ی مطالعات شهری، ۱۱(۴۲)،۷۴-۶۱.

امیری، خ؛ مسعود، م؛ مرادی چادگانی، د؛ صادقی، ن؛ و صافی اصفهانی، ف. (۱۳۹۹). طراحی الگوی مقتدرسازی الکترونیکی به منظور ارتقاء سطح مشارکت در بازآفرینی نواحی دچار افت شهری اصفهان. نشریه‌ی هنرهای زیبا، ۲(۲۵)،۸۱-۶۹.

تقوایی، م، بابانسب، ر، و موسوی، چ. (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت

شهری (مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز). مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه ای، ۱(۲)، ۳۶-۱۹.

زیاری، ک؛ زندوی،س.م؛ آقاجانی،م؛ مقدم، م. (۱۳۸۸). بررسی مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک(نمونه‌ی موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج) .جغرافیاوتوسعه ناحیه ای.

شیانی، م، و ابطحی، س.ح. (۱۳۹۹). شناسایی موانع مشارکت مردم در مدیریت شهری تهران: یک تحلیل محتوای کیفی. توسعه محلی روستایی - شهری (توسعه روستایی)، ۱۲(۲)، ۶۶۵-۶۴۳.

صبوحی، ع؛ مسعود، م؛ مرادی چادگانی، د؛ وصادقی، ن. (۱۴۰۰). تحلیل دگرگونی سیاست‌گذاریهای افقی و عمودی ساماندهی مشاغل شهری در برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و عمرانی ملی ایران پس از انقلاب اسلامی. نشریه‌ی اقتصاد شهری،۱(۵)،۹۸-۸۱.

علی احمدی، ع و میر عابدینی، س. (۱۳۹۸). واکاوی فرایند سیاست‌گذاری عمومی در مدیریت شهری تهران (۱۳۹۷-۱۳۹۳). نشریه‌ی سیاست‌گذاری عمومی، ۷۵-۹۸.

عبدی دانشپور، ز.۱۳۹۶. درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه‌بر برنامه‌ریزی شهری. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.۶۱۸

محسنی، ر، و نعیمایی، ب. (۱۳۹۶). بررسی نقش مدیریت شهری در افزایش مشارکت های اجتماعی با تاکید بر محله محوری (مطالعه موردی: منطقه ۸ تهران). مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۹(۳ (مسلسل ۳۵))، ۹۴-۸۱.

یغفوری، ح، و رفیعیان، س. (۱۳۹۴). بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد شهر فسا). مطالعات و پژوهش های شهری منطقه ای، ۷(۲۷)، ۱۰۰-۸۱.

Aldegheishem, A (2023). Community participation in urban planning process in Saudi Arabia: An empirical assessment. Journal of Urban Management, 221-230.12(3).

Amado, Miguel. & Vitorino, Catarina. & Moura, E. & Silva, Vítor. (2010). Public participation in sustainable urban planning. International Journal of Human and Social Sciences. 5. 102-108.

Bridgman, P & .Davis, G (2003) .What Use is a Policy Cycle? Plenty, if the Aim is clear .Australian journal of public administration, 98-102.62 (6).

Clemsons, R. s & .McBeth, M. K (2017) . Public policy praxis .NewYork: Routledge.

Dunn, W. N. (2017). Public policy analysis: An integrated approach. Routledge.

Fainstein, S. S. (2014). The just city. International Journal of Urban Sciences, 18(1),1–18. https://doi.org/10.1080/12265934.2013.834643

Haklay, M., Jankowski, P., & Zwoliński, Z. (2018). Selected modern methods and tools for public participation in urban planning–a review. Quaestiones Geographicae, 37(3).

Healey, P. (1992). Planning through debate: the communicative turn in planning theory. Town Planning Review, 63(2), 143–162. http://www.jstor.org/stable/40113141

Inch, A. (2015). Ordinary Citizens and the Political Cultures of Planning: In Search of the Subject of a new Democratic Ethos. Planning Theory, 14(4), 404–424. https://doi.org/10.1177/1473095214536172

Kraft, M. E & Furlong, S. R .(2018) .Public Policy Politics, Analysis, and Alternatives.

Kristian Larsson, K. & Skjølsvik, T. (2023) Making sense of the digital co-production of welfare services: using digital technology to simplify or tailor the co-production of services. Public Management Review 25:6, pages 1169-1186.

Lawrence,R. (2019). Assessment of the implemention of USAID'S urban policy. USAID.gov.

Lerner and Harold D. Lasswell (Stanford: Stanford University Press. 1951. Pp. xiv, 344).American Political Science Review, *46(1)*, 234-238.

Marschall, M. J. 2004. Citizen participation and the neighborhood context: A new look at the coproduction of local public goods.Political ResearchQuarterly, 57(2):231-244.

Pacione, M .(2009) .Introduction: the policy context of urbanization) .H. Geyer ,edit (international hand book of urban policy , 2)in developed world), 3.

Shiehbeiki, S., Abbaspour, M., Monavari, S., Arjmandi, R., & Lahijanian, A. (2014). Public Participation Role in Sustainable Urban Management by Quantitative Strategic Planning Matrix (QSPM). International Journal of Environmental Research, *8*(4), 1309-1314. doi: 10.22059/ijer.2014.823

Sabatier, P. A. (1991). Political science and public policy. PS: Political Science & Politics, 24(2), 144-147.

Sanoff, H .(2000) .Community Participation Methods in Design and Planning . Toronto: John Wiley & Sons.

Servas J, Patchanee M.2008. Development Communication Approaches in an International Perspective. In J. Servas, Communication For Development and Social Change. New Dehli.Published by SAGE. PP498.

Smith, R. W. (1973). A theoretical basis for participatory planning. Policy Sciences, 4(3), 275–295.
https://doi.org/10.1007/BF01435125

WORLD BANK .(1966) .Participation Sourcebook .Washington, D.C.: The World Bank.

WWW.IAP2.org,Internatinal Association for public participation.